

## عباس ملکی<sup>۱</sup>

مقاله زیر مجموعه تلاشهای انجام شده در مورد تدوین رژیم حقوقی دریای خزر در دهه گذشته را نشان می‌دهد. به رغم ناکامی کشورهای ساحلی برای رسیدن به اجماع در مورد رژیم حقوقی آینده دریای خزر، در طول سالهای پس از فروپاشی، مذاکرات دوجانبه، سه جانبه و پنج جانبه مابین بازیگران ساحلی خزر همواره وجود داشته است. با توجه به نتایج باقیمانده از توافق سه جانبه روسیه، آذربایجان و قزاقستان نباید از نظر دور داشت که نمی‌توان توافقات کشورهای دیگر را مادام که به منافع ملی ایران خدشه وارد نمی‌سازد، محکوم نمود. از طرف دیگر، یک دیپلماسی فعال از طرف تهران برای رسیدن به تفاهم با ترکمنستان و آذربایجان می‌تواند ایران را به یک راه حل بهینه رهنمون سازد.

به رغم عدم موفقیت در نیل به یک رژیم حقوقی جامع و کامل که تمامی فعالیت‌های مربوط به بهره‌برداری انسان از دریای خزر را تعریف نماید، کشورهای حاشیه خزر در مورد رسیدن به اجماع در برداشتهای خود به جهت توافق راجع به یک رژیم حقوقی بهینه تلاشهای متفاوتی را نموده‌اند. با توجه به این که این تلاشها با تصمیم‌گیری‌های آینده ایران در دریای خزر ارتباط کامل دارد، نگاهی کوتاه به این نشست‌ها خواهیم داشت. این نشست‌ها در چهار بخش اجلاس سران، جلسات گروه کاری، فعالیتهای دوجانبه ایران با دیگر کشورها در مورد خزر و نهایتاً جلسات چندجانبه دیگر کشورها بدون حضور ایران تقسیم‌بندی می‌شود.

### ۱. اجلاس سران کشورهای حاشیه دریای خزر

کشورهای حاشیه خزر از ابتدای فروپاشی شوروی به فکر مذاکره و رایزنی در مورد مسایل دریای خزر بودند. در آغاز، ایران با ارائه پیشنهاد سازمان همکاری

۱. دکتر عباس ملکی رئیس مؤسسه مطالعات دریای خزر است.

کشورهای ساحلی دریای خزر این ایده را پیگیری می نمود که کشورهای بجامانده از اتحاد شوروی سابق می باید در سازمان های منطقه ای برای همکاری بیشتر با دیگر کشورهای منطقه حضور یابند و از این رهگذر به تدریج وابستگی کامل خود را به مسکو کاهش داده و به صورت طبیعی عضوی از خانواده جهانی گردند. در این ارتباط، عضویت کشورهای آسیای مرکزی و جمهوری آذربایجان در سازمان همکاری های منطقه ای (اگو) انجام پذیرفت.

اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور سابق ایران در ۲۹ بهمن ۱۳۷۰ (۱۷ فوریه ۱۹۹۱) از برگزاری اجلاس سران اگو در تهران سود جسته و اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر (کاسکو)<sup>۱</sup> را برگزار نمود. اندیشه عضویت کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در اگو، در زمانی که هنوز سایه اتحاد شوروی بر سر این کشورها بود و آنگاه تشکیل سازمان همکاری کشورهای خزر نشان از آینده بینی دیپلماسی ایران داشت. بجز رئیس جمهور روسیه که نماینده خود را اعزام داشته بود، بقیه رؤسای جمهور کشورهای حوزه خزر در این اجلاس شرکت نموده و مقدمات تشکیل دبیرخانه این سازمان در تهران فراهم شد. نورسلطان نظربایف، رئیس جمهور قزاقستان در دیدار خود از تهران در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۵ (۱۱ مه ۱۹۹۶) در بیانیه ای خواستار تسریع در تشکیل سازمان همکاری دولتهای ساحلی دریای خزر مطابق با بیانیه اجلاس سران در ۲۹ بهمن ۱۳۷۰ و به عنوان مکانیسم دائمی هماهنگی برای اجرای اصول مندرج در بندهای دیگر بیانیه شد. در اجلاس سران و اجلاس وزیران خارجه کشورهای ساحلی دریای مازندران در تهران، تشکیل کمیته های پنج گانه همکاری ساحلی دریای مازندران پیش بینی گردید. هریک از کمیته های مسئولیت یکی از مسایل مبتلا به دریای مازندران را بر عهده دارد. کمیته های پنج گانه به ترتیب عبارتند از:

۱. کمیته رژیم حقوقی دریای خزر؛

۲. کمیته تحقیقاتی علمی و کنترل نوسانات آب دریای خزر؛

۳. کمیته کشتیرانی تحت عنوان کمیته حمل و نقل؛

۴. کمیته ماهیگیری تحت عنوان کمیته منابع بیولوژیک دریای خزر؛

۵. کمیته حفاظت محیط زیست دریای خزر.

اما تشکیل سازمان همکاری کشورهای ساحلی دریای خزر چندان پیگیری نگردید و با توجه به مخالفت جمهوری آذربایجان، این موضوع به فراموشی سپرده شد، تا آن که صفر مراد نیازاف، رئیس جمهور ترکمنستان در ابتدای سال ۱۳۷۹ (۲۰۰۰) تلویحاً عنوان نمود که مشکل اصلی در راه رسیدن به تفاهم در مورد دریای خزر کارشناسان هستند و اگر بتوان رهبران کشورهای ساحلی را در یکجا گرد آورد، حصول تفاهم قطعی است. او با توجه به اختلافات خود با جمهوری آذربایجان بر سر حوزه‌های نفتی مرکز دریای خزر پیشنهاد نمود که در اسفند ۷۹ (مارس ۲۰۰۱) در شهر کراسنودسک (ترکمن‌باشی) در کرانه خزر رؤسای جمهور پنج کشور جمع شده و تصمیم خود را جمع به روش حقوقی مسلط بر دریا را اتخاذ نمایند. ابتدا ایران پیشنهاد کرد که این اجلاس از ۱۱ اسفند ۷۹ (اول مارس ۲۰۰۱) به ۲۳ اسفند (۱۳ مارس) به تعویق افتد. هدف ایران از انتقال زمان تشکیل اجلاس آن بود که بتواند از سفر رئیس جمهور خود به روسیه که امید داشت همراه با دستاوردهای متعدد و از جمله اعلام پایبندی روسیه به دو پیمان و توافق ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ است، سود ببرد. در مورد تاریخ جدید برگزاری اجلاس یعنی ۲۳ اسفند، آذربایجان بهانه آورد که این تاریخ برای رئیس جمهور آذربایجان مناسب نبوده و بهتر است تشکیل جلسه به تابستان موکول گردد. در تابستان، ترکمنستان اعلام نمود که در پاییز جلسه تشکیل خواهد شد. آنگاه در ۱۱ سپتامبر (۲۰ شهریور) واقعه حمله به دو برج مرکز تجارت جهانی و وزارت دفاع آمریکا رخ داد و پس از واقعه ۱۱ سپتامبر به این موضوع کمتر پرداخته شد. اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر که قرار بود پس از تعویق، در پاییز ۱۳۸۰ (۲۰۰۱) تشکیل گردد، مجدداً با درخواست جمهوری آذربایجان به تعویق افتاد. در ابتدای سال ۲۰۰۲، نیازاف در دیدار با ایگور ایوانف وزیر امور خارجه روسیه گفت که در سال ۲۰۰۲ این اجلاس تشکیل خواهد شد.<sup>(۱)</sup>

کارشناسان کشورها برای تعیین دستور جلسه این اجلاس متعدد گروه کاری را تشکیل دادند. در این جلسات، مسأله توافق نمایندگان کشورهای ساحلی به یک اجماع در مورد پیش نویس اجلاس سران بحث و بررسی و در نتیجه پیش نویسی تهیه شد که تفاوت دیدگاهها در آن به صورت ارائه دیدگاههای متفاوت در پرائترز آمده بود. در ماده ۷ پیش نویس بیانیه اجلاس همگان توافق نمودند که اعلام شود که «طرفها معتقدند که رژیم حقوقی موجود دریای خزر با مقتضیات زمان مطابقت نداشته و نیازمند تکمیل است». ماده ۸ بر اصل اتفاق آراء، در تصویب کنوانسیون تأکید دارد. ماده ۱۲ پیش نویس بیانیه اجلاس سران موضوع مشاع بودن سطح آب دریا و تقسیم بستر را مطرح می نمود. از مدت‌ها قبل این روش حقوقی مورد علاقه روسیه و مورد مخالفت کشورهای دیگر قرار گرفته بود و به همین دلیل نیز چند جلسه کارشناسان به این موضوع و حل آن پرداخت. بخصوص، جلسات کارشناسان در دوم و سوم اردیبهشت برای تهیه پیش نویس اجلاس سران حائز اهمیت است. همچنین وزرای خارجه کشورهای ساحلی نیز قبل از تشکیل اجلاس سران جلسه مفصلی برای تأیید پیش نویس تهیه شده توسط کارشناسان در عشق آباد داشتند.

اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر بالاخره در روزهای سوم چهارم اردیبهشت ۱۳۸۱ (۲۲ و ۲۳ آوریل ۲۰۰۲)، در عشق آباد تشکیل شد. به رغم تمام امیدها و چشم‌ها که به سوی این اجلاس دوخته شده بود، این اجلاس نتوانست خواسته‌های کشورهای ساحلی را برآورده سازد. این نشست یک جلسه افتتاحیه داشت که سخنرانی و مذاکرات رؤسای جمهور را دربر داشت. این جلسه بیشتر اختلافات ترکمنستان و آذربایجان را عیان ساخت.<sup>(۲)</sup>

روسیه در اجلاس طرح جدیدی را مطرح نمود. ایجاد دو حوزه ساحلی که به عنوان بخشهای ملی شناخته شوند و همچنین آبهای مشترک در وسط دریا، بخشی از این طرح بود. یک حوزه ساحلی مربوط به کنترل مرزی و گمرکی است و حوزه دیگر که متصل بدان است حوزه انحصاری ماهیگیری است. روسیه در عشق آباد پیشنهاد نمود که این دو حوزه در یکدیگر ادغام و بجای ده مایل دریایی که پهنای آبهای سرزمینی در دو قرارداد گذشته می باشد، پانزده مایل

دریایی جایگزین گردد.<sup>(۳)</sup>

جلسه دوم اجلاس به دلیل عدم توافق در خصوص بیانیه در نشست کارشناسی به نتیجه‌ای نرسید و سندی در پایان این اجلاس امضا نشد. در جریان اجلاس عشق‌آباد، اگر چه گفتگوها هیچ‌گاه به نقطه تعیین‌کننده‌ای نرسید<sup>(۴)</sup> و سران کشورها حتی نتوانستند به سندی دست یابند<sup>(۵)</sup>، اما در انتهای اجلاس دو اتفاق افتاد: اول آن که اعلام گردید که نشست بعدی سران در ۱۳۸۲ (۲۰۰۳) در تهران برگزار خواهد شد. دوم آن که رئیس جمهور روسیه مستقیماً از عشق‌آباد به آستاراخان، بندر روسی کناره خزر رفت و در آنجا اعلام نمود که رزمایش نظامی روسیه در خزر برگزار خواهد گردید. رزمایش دریایی روسیه در دریای خزر که از ده مرداد ۱۳۸۱ (اول اوت ۲۰۰۲) شروع گشته بود، در ۲۴ مرداد (۱۵ اوت) به پایان رسید. اعلام این رزمایش یک روز پس از خاتمه اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر در عشق‌آباد در اردیبهشت ۱۳۸۱ توسط پوتین و در آستاراخان در کناره خزر، این برداشت را به ذهن همگان متصور نمود که اجلاس سران در دستیابی به یک توافق در جهت تبیین نظام حقوقی دریای خزر شکست خورده و کرملین با اعلام چنین رزمایشی خشم خود را ابراز می‌نماید. گرچه صاحب‌نظران مسایل خزر، بیشتر در این اندیشه بودند که اگر چشم‌انداز دستیابی به یک رژیم حقوقی جامع و مورد توافق تمامی کشورهای ساحلی امیدوارکننده نیست، بنابراین طبیعتاً کشورهای ساحلی برای حل مشکل به دیپلماسی روی خواهند آورد، اما رفتار روسیه در برگزاری رزمایش نشان داد که این کشور در دریای خزر به موفقیت دیپلماسی خود چندان امید ندارد و یا سیاست جسورانه پوتین پس از اجلاس عشق‌آباد، حکایت از سیاست دولبه مسکو دارد که در آن واحد پیگیر چندین هدف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مرتبط به هم است.<sup>(۶)</sup> این دیپلماسی که در طول سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۹ به صورت پنج‌جانبه بود، از آن سال تاکنون به صورت دوجانبه و سه‌جانبه و تلاش برای رسیدن به نتیجه از طریق عقد معاهده و یا قرار دادهای مرزی مابین روسیه و کشورهای دیگر بود. پروتکل تقسیم بستر شمالی دریای خزر در ۱۳ ماه مه ۲۰۰۲ (۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۱) در مسکو به امضای رؤسای جمهور روسیه و قزاقستان رسید. همچنین در ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۲ (۱ مهر

۱۳۸۱) در مسکو موافقتنامه مربوط به تعیین محدوده اعمال حاکمیت، مرز آبی و بهره‌برداری از منابع دریای خزر مابین روسیه و جمهوری آذربایجان امضا شد. پوتین امضای این قرارداد را یک پیروزی بزرگ برای ابتکار روسیه در مورد تقسیم بستر و مشارکت در بهره‌برداری از آب عنوان نمود.<sup>(۷)</sup> قبل از این توافقها، آذربایجان و قزاقستان نیز یک توافق دوجانبه را امضا نمودند که به موجب آن سهم هر کدام از منابع بستر خزر در شمال دریا مشخص گردید. این قرارداد که در مسکو و در اول دسامبر ۲۰۰۱ (۱۰ آذر ۱۳۸۰) در جریان اجلاس رهبران کشورهای مستقل مشترک‌المنافع امضا شد از نظر علی‌اف‌گام مهمی در تقسیم دریای خزر به پنج بخش ملی در میان کشورهای ساحلی است.<sup>(۸)</sup>

در جریان امضای توافق سه‌جانبه مابین روسیه، آذربایجان و قزاقستان در مه ۲۰۰۳ (خرداد ۱۳۸۲) مشخص گردید که روسیه قصد دارد به نوعی دیگر و بدون در نظر گرفتن منافع ایران مسأله رژیم حقوقی دریای خزر را حل و فصل نماید.

## ۲. جلسات گروه کاری خزر

یکی از نادرترین جلسات در مورد دریای خزر که به تفاهم و مصالحه میان تمام پنج کشور ساحلی دریای خزر انجامید، نشست وزرای خارجه کشورهای پنج‌گانه خزر در ۲۱ و ۲۲ آبان ۱۳۷۵ (۱۱ و ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶) در عشق‌آباد است. در این نشست، پنج وزیر خارجه توافق نمودند که برای رسیدن به یک کنوانسیون جامع حقوقی در مورد خزر، گروه کاری ویژه‌ای را تشکیل دهند. مقرر گردید که اولین جلسه گروه کاری در دسامبر ۱۹۹۶ در آلماتی تشکیل گردد. همچنین در کنار این نشست، وزرای خارجه روسیه، ترکمنستان و ایران، با تمایل به یکپارچه نمودن تلاشها در جهت توسعه منابع معدنی دریای خزر در خصوص ایجاد یک شرکت مشترک ایرانی، روسی، ترکمنی به منظور اکتشاف و استخراج حوزه‌های توافق شده نفت و گاز در مناطق دریایی از ساحل سه کشور موافقت نمودند.

در ابتدا، قرار شد جلسات گروه کاری در سطح معاونان وزرای خارجه کشورهای ساحلی

تشکیل گردد<sup>(۹)</sup>، اما پس از آن که کشورها بتدریج نماینده ویژه خود را در امور دریای خزر معرفی نمودند، شرکت‌کنندگان در جلسات لزوماً از وزارت امور خارجه نبودند. در اولین جلسه، عباس ملکی، معاون پژوهشی و آموزشی وقت وزارت امور خارجه از طرف ایران شرکت نمود. این جلسه که در قزاقستان در پاییز ۱۳۷۵ (دسامبر ۱۹۹۶) تشکیل گردید، اکثر مباحث حول مسایل محیط زیست بود. اما در اثنای جلسه مشخص شد که آذربایجان بشدت به دنبال تقسیم دریا به بخشهای ملی در میان کشورهای ساحلی است. اما سپس با توجه به اختلافات مابین کشورهای حاشیه دریای خزر راجع به رژیم حقوقی دریای خزر، این جلسات از اهمیت خاصی برخوردار گشته و نام «گروه کاری خزر» را گرفت که عمدتاً از ایران معاون اروپا و آمریکای وزارت امور خارجه در رأس هیأت ایرانی شرکت می‌نمود.

دومین اجلاس معاونین وزرای خارجه کشورهای ساحلی دریای خزر در روزهای ۲۵ و ۲۶ آذرماه ۱۳۷۷ در مسکو برگزار شد. روسیه در این اجلاس برای اولین بار اذعان نمود که روسیه قبلاً به رژیم مشاع و حفظ قراردادهای ایران و شوروی معتقد بود، اما اکنون به تغییر موضع، مشاع در سطح و تقسیم بستر معتقد شده است. در این جلسه همچنین نماینده روسیه گفت که با عبور هر گونه خط لوله از بستر دریای خزر مخالف است. همچنین نماینده روسیه اظهار داشت که ما درک درستی از پیشنهاد ایران برای تقسیم مساوی دریا و سهم بیست درصدی ایران نداریم و اجرای این طرح بیش از ۵۰ سال طول خواهد کشید. در این جلسه نماینده جمهوری آذربایجان مدعی شد که ترکمنستان و آذربایجان با استفاده از مکانیزم خط میانی در تقسیم خزر موافقت نموده‌اند. همچنین او مدعی شد که پیشنهاد ایران در مورد بیست درصد از آبهای خزر با عرف بین‌المللی مغایرت داشته و در مورد منابع زیر بستر مشکل ایجاد می‌کند. نماینده ایران علاوه بر اصرار بر سهم ۲۰٪ ایران، از مخالفت کشورش با دخالت بیگانگان در این دریا سخن گفت. دولت قزاقستان نیز تنها راه را استفاده از خط میانی برای تقسیم برشمرد و ادعا نمود که مواضع سه کشور آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان در این رابطه به هم نزدیک است. ترکمنستان نیز دستاورد این اجلاس را آن دانست که همه کشورهای به رویه تقسیم معتقد شده‌اند.

اجلاس سوم گروه کاری در اسفند ۱۳۷۹ در تهران تشکیل شد. این اجلاس قبل از جلسه پیشنهادی ترکمنستان برای جمع شدن سران کشورهای خزر بود که قرار بود در اسفند ۷۹ در شهر کراسنودسک در کناره دریای خزر در ترکمنستان تشکیل گردد. در اجلاس سوم تهیه پیشنهادی برای جمع شدن سران کشورهای حاشیه دریای خزر در دستور کار قرار گرفت. از این جلسه به خوبی مشخص بود که همگرایی مابین نظرات ۴ کشور روسیه، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان وجود داشته و موضع ایران در مورد تقسیم مساوی در این جلسات بدون پشتیبان است.

اجلاس چهارم در باکو تشکیل گردید. در این جلسه هیأت ایرانی پیشنهاد نمود که برای هر جلسه، کارشناسان کشورها از قبل دستور کاری را مشخص نمایند. در پنجمین اجلاس گروه کاری ویژه معاونین وزرای خارجه کشورهای ساحلی دریای خزر در آستانه پایتخت جدید قزاقستان، ترکمنستان اعلام نمود که به این نتیجه رسیده است که تجربه رجوع به مراجع داوری بین‌المللی در رابطه با خزر از فرمول ساده‌ای برخوردار است و به آن توجه دارد. همچنین ترکمنستان آماده تقسیم دریا بر اساس موازین بین‌المللی است ولی نه بر اساسی که اکنون یکی از کشورها یکجانبه از دریا بهره‌برداری می‌کند. کاملاً مشخص است که انگشت اتهام ترکمنستان متوجه آذربایجان است. ترکمن‌ها معتقد بودند که مصوبه وزارت انرژی و سوخت شوروی برای فعالیت در دریای خزر بر مبنای دیدگاه خاص آن زمان شوروی برای تولید و صدور نفت و گاز در خزر بوده و صحیح و عادلانه نمی‌باشد و نمی‌تواند مقبول باشد. ترکمنستان در این دوره مجدداً از استفاده مشاع و استفاده عمومی از دریا جانبداری نمود.

اجلاس پنجم در آستانه قزاقستان در روزهای ۲۹ و ۳۰ شهریور ۱۳۸۰ تشکیل شد. قبل از آن کارشناسان کشورها در ۲۷ و ۲۸ شهریور به بررسی پیشنهادی برای جمع شدن سران کشورهای حاشیه دریای خزر در دستور کار قرار گرفت. در این جلسه، بررسی بیانیه اجلاس سران کشورهای حاشیه دریای خزر از جمله رژیم حقوقی و غیرنظامی کردن دریا کاملاً مشهود بود. در حالی که آذربایجان به ضرورت حل مرحله‌ای مسایل دریای خزر با اولویت بر تقسیم بستر



و استفاده از منابع زیربستر تأکید داشت، هیأت ایرانی بهترین گزینه را برای دریای خزر، رژیم مشاع و استفاده مشترک از دریا دانست. روسیه نیز به ضرورت برگزاری جلسه رؤسای شیلات و تهیه موافقتنامه در زمینه شیلات و محدودیت صید ماهیان خاویاری و ضرورت نهایی کردن کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریای خزر پرداخت. همچنین روسیه در مورد غیر نظامی شدن دریا به صراحت با آن مخالفت کرده و آن را غیر قابل قبول خواند و همچنین با تقسیم سطح آب کاملاً مخالفت نمود. در نشست مزبور، گروه کاری تا ۱۲ ماده از پیش‌نویس بیانیه اجلاس سران را تصویب نمودند. در این ماده روسیه قصد داشت به دیگران بقبولاند که بهترین روش حقوقی برای مدیریت خزر همان مشاع در سطح و تقسیم در بستر است. ویکتور کالیوژنی، نماینده روسیه در اجلاس پنجم مایل به جلب نظر سه کشور دیگر یعنی قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان بود تا در برابر ایران به فرمول چهار در برابر یک برسد. هیأت ایرانی برای مقابله با این امر در اجلاس آستانه با تشریح و دفاع از مواضع خود، ضمن ایجاد تردید در مواضع ترکمنستان و باز داشتن این کشور به نحو مقتضی از همراهی کامل با روسیه و اعتراض به نماینده روسیه در مورد اقدام وی در کسب موافقت سه کشور ترکمنستان، قزاقستان و جمهوری آذربایجان در حاشیه اجلاس و بدون حضور ایران موجب گردید تا نمایندگان قزاقستان و آذربایجان کراراً نسبت به اصل اتفاق آرا در کلیه توافقاتی مربوط به امور خزر تأکید و نماینده ترکمنستان نیز ضمن اعتراض به نحوه برخورد کالیوژنی و اظهارات وی بر نظر رئیس جمهور ترکمنستان مبنی بر مخالفت با هرگونه توافق بدون در نظر گرفتن منافع پنج کشور ساحلی تأکید نماید. اجلاس آستانه از نظر طرح شفاف مواضع کشورها، نقطه عطفی در مباحث مربوط به رژیم حقوقی خزر محسوب می‌شود. این اجلاس اختلافات اساسی مابین کشورها را نمایان ساخت.

سپس، دولت ایران ناخشنودی خود را از روش کالیوژنی به اطلاع سفیرای کشورهای روسیه، قزاقستان و ترکمنستان در تهران توسط مدیرکل کشورهای مشترک‌المنافع وزارت امور خارجه رسانید.

در تابستان ۱۳۸۰، با توجه به تصمیم وزیر امور خارجه ایران، بخش اداره کل کشورهای

مشترک‌المنافع از معاونت اروپا و آمریکا منتزع و به معاونت آسیا و اقیانوسیه ملحق گردید. بدین ترتیب مدیرکل کشورهای مشترک‌المنافع نیز تغییر و به جای فیروز دولت آبادی، مهدی صفری که تا قبل از آن سفیر ایران در مسکو بود، انتخاب گردید. وی همزمان به عنوان نماینده ویژه ایران در دریای خزر نیز منصوب شده و کار خود را شروع کرد. ششمین اجلاس گروه کاری خزر که قرار بود در تاریخ ۲۷ و ۲۸ آذرماه ۱۳۸۰ در مسکو برگزار گردد، به دلیل عدم شرکت ترکمنستان در موعد مقرر برگزار نشد. روش حقوقی مورد علاقه روسیه یعنی اعمال روش مشاع در سطح آب و روش تقسیم در مورد منابع بستر دریا قرار بود که در مسکو به بحث گذارده شود. برخی از گزارشها حاکی از آن است که ایران نیز موافق عدم برگزاری این اجلاس بود و به نوعی به ترکمنستان این موضوع را القا نموده بود تا با برگزاری این اجلاس مخالفت نماید. ایران احساس می‌نمود که روند مذاکرات در خصوص بیانیه سران به گونه‌ای است که موجب نزدیکی و همسویی نظرات روسیه، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان و تقابل آنها با جمهوری اسلامی ایران شده است. ادامه این روند می‌توانست به نزدیکی بیشتر مواضع چهار کشور فوق و سنگین شدن جو مذاکرات برای جمهوری اسلامی ایران گردد. در عین حال ویکتور کالیوژنی، از باکو در روزهای ۱۸ و ۱۹ ژانویه ۲۰۰۳ دیدار و با خلف اوغلو راجع به مسایل مختلف و از جمله دیدگاههای دو کشور در مورد رژیم حقوقی خزر گفتگو نمود.<sup>(۱۰)</sup>

اجلاس هفتم گروه کاری ویژه در تابستان ۱۳۸۱ تهران تشکیل گردید. در تهران مقرر گردید که درباره کنوانسیون رژیم حقوقی خزر، کشورهای ذینفع بررسی‌های خود را نموده و نظرات و پیشنهادهای خود را به آذربایجان داده تا در جلسه هشتم در باکو مورد بحث قرار گیرد.<sup>(۱۱)</sup>

هشتمین اجلاس گروه کاری خزر با حضور نمایندگان پنج کشور پس از چند ماه تعویق در روزهای ۷ و ۸ اسفند ماه ۱۳۸۱ در باکو تشکیل گردید.<sup>(۱۲)</sup> این اجلاس دوبار، یک بار در تابستان و بار دیگر در پاییز ۲۰۰۲ به تعویق افتاده بود.<sup>(۱۳)</sup> دستور جلسه کمیته کاری مسأله کنوانسیون رژیم حقوقی خزر اعلام شد. در این جلسه علاوه بر تدوین آیین نامه اجرایی، افزایش صلاحیت

گروه کاری از طرف روسیه مطرح شد که با مخالفت ترکمنستان این پیشنهاد به تصویب نرسید. همچنین در این جلسه موضوع کنوانسیون حقوقی دریای خزر و مقدمه کنوانسیون و سه ماده آن مورد بررسی قرار گرفت. در مقدمه موضوع اساسی آن بود که چگونه به دو توافق ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ استناد گردد. ایران عقیده داشت که این دو توافق مبنای رژیم حقوقی اکنون و آینده این دریاچه است. قزاقستان معتقد بود که این دو توافق دارای چند بند در مورد خزر است که در عین آن که آنها را می‌توان قبول داشت، باید اذعان نمود که این بندها ناقص است و مناسبترین راه مراجعه به حقوق بین‌الملل دریاها و کنوانسیون ۱۹۸۲ است. آذربایجان معتقد بود که در کنار این دو توافق به رویه عمل شده در دوره شوروی و پس از آن نیز باید توجه داشت.

در این جلسه مقرر گردید که جلسه‌ی آتی گروه در بهار ۱۳۸۲ در آستانه تشکیل گردد. نهمین جلسه گروه کاری در ۱۲ تا ۱۴ مه ۲۰۰۳ (۲۲ تا ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۲) در آلماتی بجای آستانه با شرکت نمایندگان ویژه پنج کشور تشکیل گردید.<sup>(۱۴)</sup> دستور کار این جلسه مذاکره در خصوص کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر بود.<sup>(۱۵)</sup> کنوانسیون مزبور، اصول کلی فعالیتها و همچنین حقوق و تکالیف کشورهای ساحلی را در دریای خزر مشخص می‌نماید. محورهای اصلی کنوانسیون عبارتند از: نحوه بهره‌برداری از منابع نفت و گاز، فعالیت‌های اقتصادی در بستر و زیر بستر دریا، کشتیرانی تجاری، فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی در دریا، ماهیگیری، حفاظت از محیط زیست، مسایل گمرکی، انتظامی و امنیتی در خزر. نماینده قزاقستان در خزر پس از پایان جلسات گفت که کل کنوانسیون یک بار دیگر مرور گردید و حدود ۴۰ درصد آن مورد توافق قرار گرفت و مکانیزم اعمال رویه‌های زیست محیطی نیز مشخص گردید. اما در مورد تعریف دریای سرزمینی و همچنین محدوده‌ی شیلای و حمل و نقل برای هر کشور به نتیجه نرسید.<sup>(۱۶)</sup> نماینده ترکمنستان در جلسات، خوشگلدی بابایف و خلف اوغلو، نماینده آذربایجان تأکید نمودند که پیشنهاد ایران مبنی بر اختصاص ۲۰ درصد از آبهای خزر به این کشور اساساً مطرح نگردید.<sup>(۱۷)</sup> نماینده ایران پس از پایان این دور از مذاکرات، گفت در آلماتی اختلاف نظر شدیدی بین کشورهای ساحلی راجع به مفاد کنوانسیون، مباحث مربوط به غیر نظامی کردن دریای خزر و

تعیین موازین فعالیت‌های کشتیرانی و ماهیگیری وجود داشت. روسیه خواهان حفظ ناوگان نظامی و ایجاد شرایطی برای فعالیت‌های آزاد ناوگان نظامی، تجاری و صیادی خود بود که موجب بحث‌های جنجالی و اختلاف نظر شدید شد و توافقی در این زمینه حاصل نشد.<sup>(۱۸)</sup> در این جلسه همچنین موافقت شد تا جلسه بعدی در ژوئیه ۲۰۰۳ در فاصله روزهای ۲۰ تا ۲۵ (۲۹ تیر تا سوم مرداد ۱۳۸۲) در مسکو تشکیل گردد.

### ۳. فعالیت‌های دوجانبه ایران در مورد خزر

ایران علاوه بر آن که معتقد است که باید در حل مسایل دریای خزر همه کشورهای ساحلی با یکدیگر معاضدت نمایند، در عین حال، برای ترغیب دیگر کشورهای ساحلی به رسیدن به اجماع و همچنین در جریان قرار دادن آنها، اقدام به دیپلماسی رفت و آمدی نمود. در این ارتباط، در سالهای اخیر فعالیت‌های زیر از طرف وزارت امور خارجه انجام گردیده است. این نکته که اگر ایران مخالف دیپلماسی مذاکرات دوجانبه و یا چندجانبه روسیه بدون ایران است، پس چرا خود از همین مکانیزم استفاده می‌نماید، خود جای بررسی جداگانه دارد.

#### الف) با روسیه

دستور جلسه اولین نشست شورای عالی امنیت ملی روسیه در اردیبهشت ۱۳۷۹ و پس از انتخاب ولادیمیر پوتین به ریاست جمهوری، مسأله منافع روسیه در دریای خزر بود. پوتین در نطق خود همچنین به منافع روسیه در دریای خزر اشاره کرده و خواستار فعالیت جهت استفاده از منافع آن شد. در عین حال، او تأکید ورزید که مایل نیست دریای خزر یک منطقه دیگر برای روبرویی با دیگران شود. در این جلسه که علاوه بر اعضای شورای امنیت ملی، مدیران عامل شرکت‌های سوخت، حمل و نقل و انرژی روسیه و همچنین استانداران مناطق همجوار با دریای خزر نیز دعوت شده بودند، او گفت: «ما باید درک کنیم که منافی که کشورهای دیگر از جمله ترکیه، انگلستان و آمریکا از این دریای می‌برند، تصادفی نیست، بلکه این نشانی از این واقعیت دارد

که ما در آنجا فعالانه عمل نکرده‌ایم. در مسابقه بر سر منابع دریای خزر ما نیز به صورت جدی وارد خواهیم شد. مسأله اساسی در این زمینه تعادل منافع مابین دولت و شرکتهای روسی است. دولت به تنهایی نمی‌تواند به اهداف خود دسترسی پیدا نماید. باید شرایطی را تمهید نماییم تا شرکتهای روسی بتوانند در این منطقه به صورت اساسی فعال باشند».

در نگاه روسیه به مسایل مربوط به رژیم حقوقی، چگونگی استفاده از منابع دریای خزر، محیط زیست، آبریزان زنده، حمل و نقل و استفاده از فضای ماورای دریا از زمان نخست‌وزیری پوتین و سپس انتخاب وی به ریاست جمهوری تحولاتی روی داده بود. در جلسه شورای امنیت ملی روسیه مقرر گردید که یک گروه هماهنگی برای حل مشکلات مربوط به منطقه خزر تشکیل گردد. دبیرخانه این گروه در وزارت خارجه روسیه قرار داشته و سمتی با نام «نماینده رئیس جمهور روسیه در امور دریای خزر» تعیین گردید. پوتین پس از جلسه گفت که گروه هماهنگی متشکل از نمایندگان بخشهای دولتی و همچنین مسئولان شرکتهای انرژی، حمل‌ونقل، نیرو و سوخت روسیه خواهد بود. انتخاب یک شخص برای این سمت به گفته پوتین پس از انتخاب کابینه در روز هفتم ماه مه (۱۸ اردیبهشت ۱۳۷۹) بود. وی ویکتور کالیوژنی، وزیر سابق سوخت را برای این کار انتخاب نمود. وی نیز با ترتیب دادن تیم زبده‌ای در امور دریای خزر، ایگور اورنوف، سفیر باسابقه روسیه را به عنوان دبیر هیأت برگزیده و از آن پس روسیه با اتخاذ استراتژی‌های تلفیقی دیپلماتیک، اقتصادی، نظامی از همه توان خود برای اجرای سیاستهای جدید بهره‌برداری نمود. (۱۹)

مهمترین رایزنی روسیه و ایران در مورد دریای خزر در جریان سفر رئیس جمهور ایران به مسکو انجام گرفت. این سفر در ۱۲ مارس ۲۰۰۱ (۱۳ اسفند ۱۳۸۰) به بیانیه مشترکی ختم گردید. در بیانیه مشترک آمده است که «دو کشور هیچ مرزی را در این دریا (خزر) به رسمیت نمی‌شناسند». اما در عمل، روسیه با تحدید حدود مرزهای آبی خود با قزاقستان و آذربایجان رفتار دیگری از خود نشان داد.

علی‌آهنی، معاون وقت وزارت امور خارجه ایران در امور اروپا و آمریکا و نماینده ویژه ایران

در دریای خزر از ۱۶ تا ۱۸ مرداد ماه ۱۳۸۰ به مسکو و عشق آباد سفر نمود و در مسکو با کالیوژنی و اودیف قائم مقام وزیر امور خارجه ملاقات و گفتگو کرد. او در ملاقاتهای خود از استقرار تجهیزات نظامی از سوی روسیه، ترکمنستان و قزاقستان در خزر اظهار نگرانی کرده و آن را نوعی رقابت تسلیحاتی در دریا خوانده و خواستار اقدام هماهنگ ایران و روسیه در مقابله با نظامی شدن دریای خزر شد.

کالیوژنی یک بار دیگر در ششم شهریور ۱۳۸۰ به تهران آمد و علاوه بر ملاقات با وزیر امور خارجه و معاون اروپا و آمریکای وزارت امور خارجه ایران با مدیر شرکت مهندسی و ساختمان صنایع نفت<sup>۱</sup> و شرکت بازرگانی نفت ایران<sup>۲</sup> ملاقات و گفتگو نمود. در این سفر علاوه بر پیگیری مسایل مطرح در جلسات گروه کاری، کالیوژنی اظهار تمایل کرد که شرکتهای نفت و گاز روسیه بتوانند همچون دیگر شرکتهای مطرح در امور انرژی در ایران فعالیت نمایند.

پس از او، مهدی صفری، مدیرکل کشورهای مشترک المنافع و نماینده ویژه ایران در امور دریای خزر از ۲۱ تا ۲۲ آبان ماه ۸۰ از مسکو دیدار کرد. او به دنبال آن بود که روسیه را از اقداماتی که در خزر انجام می دهد و بعضاً مغایر با منافع ملی ایران است، باز دارد.

کالیوژنی از ۳۰ آذر تا ۲ دی ماه ۱۳۸۰ به تهران سفر نمود. بهانه وی برای سفر به تهران شرکت در کنفرانس بین المللی «دریای خزر: چشم اندازها و چالش ها» بود و این در حالی بود که ترکمنستان و ایران از شرکت در ششمین اجلاس گروه کاری که قرار بود در ۲۷ و ۲۸ آذرماه ۱۳۸۰ در مسکو برگزار شود، سر باز زده بودند. کالیوژنی در تهران تلویحاً ایران را مانع برگزاری این اجلاس دانست. در تهران، وزیر امور خارجه، معاون پژوهشی و آموزشی وزارت امور خارجه و قشقاوی نماینده مجلس با کالیوژنی ملاقات نمودند. کالیوژنی در این ملاقاتها نیز اشکالات خود به نحوه سیاست خارجی ایران در مورد خزر را مطرح می نمود. یکی از محورهای بحث او این است که «اگر ایران معتقد است که در خزر بهره برداری مشترک مورد نظر دو قرارداد ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰

1. Oil Industries, Engineering and Construction, (OIEC)

2. naftiran Intertrade Company (NICO)

است، پس چرا در طول ۷۰ سال عمر اتحاد شوروی، ایران هیچ‌گاه به مسکو نگفته است که ما نسبت به مناطق نفت‌خیز آذربایجان ادعا داریم؟ در آن زمان وزیر کشور شوروی خط بین آستارا و حسینقلی را مطرح نمود که ایران هرگز از این خط تجاوز نکند».<sup>(۲۰)</sup>

کالیوژنی یک‌بار دیگر نیز در روزهای ۲۷ و ۲۸ خرداد ۱۳۸۱ به تهران سفر کرد و با مقامات وزارت خارجه، شیلات و سازمان حفظ محیط زیست ایران دیدار نمود. کالیوژنی همواره از تأسیس برنامه جدیدی در مورد محیط زیست خزر که با ابتکار کشورهای ساحلی و بدون دخالت سازمانهای بین‌المللی باشد پشتیبانی می‌نمود.<sup>(۲۱)</sup>

کالیوژنی، مجدداً در رأس هیأتی ۱۱ نفره متشکل از معاونین کمیته‌های امور بین‌الملل، امنیت و منابع طبیعی دومای روسیه (پارلمان)، وزارت امور خارجه و شرکتهای نفتی روسنت و زاروینتفت از ۱۱ تا ۱۵ آذرماه ۱۳۸۱ به تهران سفر نموده و در مجلس شورای اسلامی سخنرانی نمود.<sup>(۲۲)</sup> در نیمه اول سال ۱۳۸۱ و در جریان یکی از سفرهای قشقاوی به مسکو، کالیوژنی از او دعوت نموده بود که در پارلمان روسیه (دوما) سخنرانی نماید. قشقاوی در جمع یکصد نفره نمایندگان دوما نظرات ایران را بیان نموده بود. وی قبلاً طی مصاحبه‌ای پیشنهاد کرده بود که برای رفع سوءتفاهم‌ها گفت و شنود پارلمانی بین مجالس ایران و دومای روسیه برگزار گردد.<sup>(۲۳)</sup> در سفر کالیوژنی و نمایندگان دوما به تهران تنها تعداد ناچیزی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در سخنرانی او شرکت نمودند. او تأکید بر این موضوع که فکر می‌کنم بر کسی پوشیده نیست که در نگاههای کشورهای ساحلی به رژیم (حقوقی) آینده هنوز هم اختلافهای اساسی باقی است،<sup>(۲۴)</sup> به چند موضوع اساسی اشاره می‌نماید:

۱. به رسمیت شناختن قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ شوروی و ایران به عنوان مبنای رژیم حقوقی دریای خزر نقطه آغازین موضع روسیه می‌باشد.<sup>(۲۵)</sup> در حالی که روسیه متهم می‌شود که تمامیت این دو قرارداد را در نظر نمی‌گیرد، باید خاطر نشان ساخت که تمامیت یکی از این دو توافق، یعنی پیمان دوستی ایران و جمهوری شوروی روسیه مصوب فوریه ۱۹۲۱، اول بار توسط ایران نقض گردید. در ۱۹ آبان ۱۳۵۸ (۱۰ نوامبر ۱۹۷۹) ایران به صورت یک جانبه مواد ۵ و ۶

این پیمان را لغو نمود و علت آن را تغییر اوضاع و احوال دانسته است. مگر اوضاع و شرایط منطقه امروز کمتر از گذشته تغییر یافته است؟<sup>(۲۶)</sup>

۲. عملکرد عرفی (رویه) قبل از فروپاشی اتحاد شوروی بدان صورت بوده است که هر کدام از دو طرف به صورت مستقل از منابع معدنی بهره‌برداری می‌نمودند. در بخش شوروی این کشور پس از جنگ جهانی دوم کار اکتشاف و استخراج نفت در حوالی باکو را شروع نمود. طرف ایرانی در اقدامات ما هیچ لطمه‌ای بر حقوق خود نمی‌دید و آن را ناقض قرارداددهای مزبور نمی‌دانست.<sup>(۲۷)</sup> در بخش ایرانی نیز مطابق قانون مصوب مجلس ایران در ۱۹۵۵ (۱۳۳۴)، مناطق زیرآبی و منابع طبیعی بستر دریا در مناطقی که در فلات قاره ایران قرار دارد را متعلق به ایران دانسته است.<sup>(۲۸)</sup> بنابراین برای رسیدن به یک توافق در مورد رژیم حقوقی دریای خزر باید هم قراردادهای گذشته و هم عملکرد عرفی را در نظر گرفت.

۳. دریای خزر یک تکه کاغذ سفید نیست که هر جور دلمان بخواهد برش دهیم.<sup>(۲۹)</sup> روش پیشنهادی ما، تقسیم بستر به منظور بهره‌برداری از منابع زیر بستر و استفاده از آبهای مشاع می‌باشد. طبیعت خطوط سواحل برای ما تعیین نموده است که ترسیم خط میانی به پیچ‌وخم‌های آن بستگی دارد. ما خط میانی اصلاح شده با عنایت به سهم ۵۰ درصدی از منابعی که در محل تلاقی خطوط قرار می‌گیرند را پیشنهاد و به همین صورت با قزاقستان و آذربایجان عمل نموده‌ایم.

۴. موافقتنامه‌های روسیه با قزاقستان و آذربایجان به هیچ وجه مغایر با حقوق و تعهدات قراردادهای ایران و شوروی نمی‌باشد. این موافقتنامه‌ها می‌توانند نمونه خوبی برای تقلید باشند.<sup>(۳۰)</sup>

نماینده روسیه در این سفر لزوم نهایی نمودن اسناد کشتیرانی، شیلات و محیط زیست را یادآور شده پیشنهاد همکاری مشترک بین شرکتهای نفتی روسیه، ایران و ترکمنستان برای توسعه و اکتشاف در میادین نفتی که در منطقه مورد اختلاف ترکمنستان و ایران واقع شده‌اند را دارد.<sup>(۳۱)</sup>



نماینده ویژه ایران در امور خزر روزهای ۴ و ۵ دی ۱۳۸۱ از مسکو دیدار و با کالیوژنی، نماینده ویژه روسیه در خزر و پاستاخوف، رئیس کمیته روابط با کشورهای مشترک‌المنافع در دوما روسیه ملاقات نمود. در این دیدار، کالیوژنی آمادگی روسیه برای کمک به مذاکرات دوجانبه ایران و آذربایجان را اعلام کرد.

در ۱۳ مارس ۲۰۰۳ (۲۳ اسفند ۱۳۸۱)، ایگور ایوانوف، وزیر امور خارجه در رأس یک هیأت عالی‌رتبه سیاسی به تهران وارد شد. او علاوه بر ملاقات با رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه ایران با حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی دیدار نموده و دو طرف بر حل مشکلات رژیم حقوقی دریای خزر تأکید نمودند.

### **ب) با جمهوری آذربایجان**

پس از حادثه رویارویی ایران و آذربایجان در منطقه البرز، مقامات آذری متقاعد شدند که مناسب است با ایران در سطح کارشناسی و به صورت دوجانبه مسایل را مطرح و حل و فصل نمایند. عدم مذاکرات مستقیم دو کشور در مورد خزر مورد انتقاد دیگر کشورها از جمله روسیه نیز قرار گرفته بود.<sup>(۳۲)</sup> در مجموع ایران ۹ بار تاکنون مذاکرات مستقیم با مقامات جمهوری آذربایجان در سطح نمایندگان ویژه داشته است.<sup>(۳۳)</sup> در اولین سفر، مهدی صفری، نماینده ویژه ایران در دریای خزر در شهریور ۱۳۸۰ به باکو سفر و با رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، معاون شرکت دولتی نفت آذربایجان و معاون وزیر امور خارجه ملاقات و گفتگو نمود. او در این سفر به دنبال آن بود که آذری‌ها را ترغیب به مذاکرات کارشناسی با ایران در مورد دریای خزر بنماید. همچنین، ایران مایل بود که پس از واقعه حوزة نفتی البرز در ۳۱ تیر ۱۳۸۰ (۲۲ ژوئیه ۲۰۰۱)، بهره‌برداری مشترک از این حوزة توسط دو کشور را پیگیری نماید. نکته سوم آن بود که آذربایجان با روسیه و قزاقستان دارای قراردادهای متعددی بود که به هر صورت تقسیم دریا و تحدید حدود مرزهای آبی با روسی را به همراه داشت که به ضرر ایران بود. طرف آذری به حل مرحله‌ای رژیم حقوقی خزر با اولویت تقسیم بستر تأکید نمود. طرف آذری گفت که آماده است که هیأت مقدماتی سفر

رئیس‌جمهور آذربایجان به ایران را اوایل دی‌ماه ۱۳۸۰ راهی تهران نماید. سه بار تا قبل از این تاریخ، رئیس‌جمهور آذربایجان از سفر رسمی برنامه‌ریزی شده به ایران سر باز زده بود. دور دوم و سوم مذاکرات در تهران برگزار شده و مواضع دو طرف در مورد وجود و یا عدم وجود مرز در خزر و همچنین مباحث تکنیکی مانند چگونگی اندازه‌گیری مساحت دریا و نقشه مبنا مورد بحث قرار می‌گیرد.

نماینده ویژه ایران در ۱۹ دی ۱۳۸۰ دوباره به باکو می‌رود. این بار او با نخست‌وزیر، وزیر توسعه اقتصادی و معاون وزیر خارجه آذربایجان ملاقات نمود. بنابر گزارش خبرگزاری فرانسه و به گفته سخنگوی سفارت ایران در باکو، هدف اصلی سفر، برنامه‌ریزی برای سفر علی‌اف به تهران بوده است که قرار بود در نیمه دوم بهمن ماه ۸۰ صورت پذیرد.<sup>(۳۴)</sup> وی در ملاقات با خلف خلف اوغلو، معاون وزیر امور خارجه و نماینده ویژه جمهوری آذربایجان، مسایل فی‌مابین در مورد اختلافات بر سر مالکیت خزر را مطرح نمود.

هشتمین دور مذاکرات ایران و جمهوری آذربایجان راجع به دریای خزر در ۳۰ مهرماه ۱۳۸۱، در تهران برگزار شد. هیأت ایرانی استفاده از خط مبنای مستقیم به منظور اعمال متناسب تأثیر شکل ناهمگون سواحل را در طرحهای تقسیم خزر مطرح کرد. هیأت جمهوری آذربایجان استفاده از نقاط مبدأ ساحلی یا خطوط مبنای ساحلی شکسته برای ترسیم خط میانی را همچنان پایه کار دانست و ضمن غیرقابل پذیرش خواندن خط مبدأ پیشنهادی ایران بر تقسیم خزر بر اساس خط میانی اصرار داشت.

آخرین جلسه دوجانبه ایران و آذربایجان در مورد رژیم حقوقی دریای خزر در ۲۴ دی ۱۳۸۱ (۱۴ ژانویه ۲۰۰۳) در باکو برگزار شد. خلف اوغلو، معاون وزیر امور خارجه آذربایجان در امور حقوقی و نماینده ویژه این کشور در امور دریای خزر در پایان اجلاس گفت که دو طرف مبنای تقسیم دریای خزر را مورد بحث قرار دادند و می‌توان گفت که هیچ‌گاه نظرات دو کشور تا این حد به یکدیگر نزدیک نبوده است.<sup>(۳۵)</sup> ایران، در این جلسه نیز به دنبال یافتن معیارهایی برای رسیدن به سهمی در حدود بیست درصد بود. در این ارتباط دو پیشنهاد از سوی نماینده

ایران مطرح شد. اول آن که به جای استفاده از خط ساحل که عمدتاً مضرس و غیرمستقیم است، می‌توان از خط مستقیم که دو سر ساحل ایران را به یکدیگر وصل می‌نماید استفاده نموده و از آنجا به بعد از خط میانی بهره برد. به این طرح، استفاده از خطوط مبدأ مستقیم و ترسیم دوائر مماسی متحدالشکل برای سواحل مجاور گفته می‌شود.<sup>۱</sup> نظر دیگر، استفاده از یک واقعیت جغرافیایی است که برخی از سواحل در امتداد نصف‌النهارها و برخی دیگر در امتداد مدارات گسترش یافته‌اند. سواحل ایران در امتداد نصف‌النهارها و سواحل آذربایجان و ترکمنستان در راستای مدارها گسترش یافته‌اند. البته این موضوع هیچ‌گونه الزامی در پذیرش طرح ایران توسط کشورهای دیگر از جمله آذربایجان ایجاد نمی‌نماید.

مذاکرات دو کشور در مورد دریای خزر به صورت ادامه‌دار در حال انجام است. در جریان سفر وزیر امور خارجه ایران به آذربایجان در اردیبهشت ۱۳۸۲ نیز دو کشور بر ادامه این مذاکرات تأکید نمودند، هرچند که وزیر امور خارجه آذربایجان تأکید نمود که مذاکرات در سطح تکنیکی است. (۳۶)

### ج) با جمهوری ترکمنستان

مذاکرات دوجانبه ایران و ترکمنستان در مورد دریای خزر با سفر علی آهنی، معاون وقت وزارت امور خارجه ایران، از ۱۶ تا ۱۸ مردادماه ۱۳۸۰ به عشق‌آباد شروع می‌گردد. سپس مهدی صفری، مدیرکل کشورهای مشترک‌المنافع و نماینده ویژه ایران در امور خزر در ۱۴ آذرماه ۱۳۸۰ از عشق‌آباد دیدار کرد. وی با صفر مرادنیازف، رئیس جمهور و همچنین با معاون رئیس جمهور در امور نفت و گاز و خوشگل‌دی بابایف نماینده ترکمنستان در امور دریای خزر ملاقات و گفتگو نمود. هدف سفر احتمالاً ترغیب ترکمنستان به مقابله با تلاشهای کالیوژنی نماینده ویژه روسیه در خزر بود. در این سفر، مقامات ترکمنستان از عدم تمایل روس‌ها برای حل

۱. هرچند که نام این طرح نیز دارای اشکال است. چگونه می‌توان تصور نمود که دوایری در دنیا وجود دارند که غیرمتحدالشکل باشند؟

مسأله خزر در آینده نزدیک سخن گفتند. ترکمنستان همچنین سخن از مراجعه به سازمان ملل جهت حل و فصل رژیم حقوقی را ابراز نمود.

دومین دور مذاکرات کارشناسی ایران و ترکمنستان در ۶ بهمن ۱۳۸۰ در عشق‌آباد برگزار شد. ترکمنستان با توجه به افزایش انزوای این کشور در سالهای اخیر، مایل بود که به نوعی شاهد مشارکت شرکتهای نفتی ایرانی و روسی در این کشور گردد. مانع ایران در همکاری در حوزه‌های نفتی ترکمنستان در جنوب خزر آن است که برخی از آنان در منطقه ۲۰ درصدی ایران قرار می‌گیرند.

سومین دور مذاکرات کارشناسی ایران و ترکمنستان در ۶ بهمن ۱۳۸۱ در عشق‌آباد برگزار گردید. در این مذاکرات آقای خوشگلدی بابایف، نماینده رئیس جمهور ترکمنستان در امور خزر و نماینده ایران با یکدیگر مذاکره نمودند. ترکمنستان مایل به مشارکت ایران در طرحهای نفتی این کشور در خزر بود. طرف ایرانی نیز طرح خود را بر اساس خط مبدأ آستارا - حسینقلی برای ترکمن‌ها توضیح داد.

چهارمین دور مذاکرات ایران و ترکمنستان در مورد خزر در ۴ و ۵ اسفند ۱۳۸۱ در تهران انجام شد. در این دور از مذاکرات، طرف ایرانی دو طرح پیشنهادی را ارائه داد. طرح اول، همان طرح مربوط به استفاده از خط آستارا - حسینقلی به عنوان مبنا بود که توسط هیأت ترکمنی بشدت رد شد و طرح دوم، استفاده از خطوط میانی موازی با نصف‌النهارات بجای خطوط میانی موازی با مدارات می‌باشد. این روش را نیز ترکمن‌ها رد نموده و قرار گذاشتند که در جلسه آینده روشهای بین‌المللی تقسیم دریا قابل تسری به خزر را ارائه نمایند.

پنجمین دور مذاکرات ایران و ترکمنستان در ۶ و ۷ فروردین ۱۳۸۲ در عشق‌آباد برگزار گردید. طرف ترکمنی گزارش داد که در این دور از مذاکرات دو طرف توافق نمودند که تا ۴۵ مایل دریایی مرزهای آبی دوجانبه ایران و ترکمنستان در خزر را شناسایی نمایند.<sup>(۳۷)</sup> همچنین دو طرف به توافق مقدماتی برای توسعه میادین نفت و گاز جنوب شرق خزر دست یافتند.<sup>(۳۸)</sup>

#### ۴. جلسات چندجانبه در مورد خزر بدون حضور ایران

پس از حادثه رویارویی ناو ایرانی با دو کشتی آذری در دریای خزر و در حوزه البرز (۳۱ تیر ۱۳۸۰) در ۱۱ مرداد ۱۳۸۰، ویکتور کالیوژنی نماینده ویژه روسیه در خزر سفرای ایران و جمهوری آذربایجان در مسکو را به وزارت خارجه دعوت و یا به قولی احضار نموده و ضمن تکرار تأکیدات پیشین گفت که تمامی اختلافات در دریای خزر منحصراً بایستی از طریق سیاسی و پای میز مذاکره حل شود. دو روز بعد و در جریان اجلاس سران کشورهای مستقل مشترک‌المنافع که در شهر ساحلی سوچی در کنار دریای سیاه گرد آمده بودند، پوتین پس از جلسه سه جانبه سران روسیه، قزاقستان و آذربایجان به خبرنگاران می‌گوید که «استفاده از زور در دریای خزر ناروا و غیرمجاز است و تمامی مسایل باید در فضای روابط دوستانه، درک متقابل و اصول حقوق بین‌الملل حل شود». مخاطب این گفته معلوم نیست.

در ایران در نیمه دوم ۱۳۸۰، بتدریج رسانه‌ها نسبت به فعالیتهای روسیه در ارتباط با دیگر کشورهای ساحلی عضو اتحاد شوروی باشک و بدبینی می‌نگریستند.

در سفر آذرماه ۱۳۸۰ نماینده ویژه ایران در امور خزر به مسکو، او به کالیوژنی تأکید می‌کند که بحث خزر در افکار عمومی ایران حساسیت زیادی ایجاد کرده و هرگونه توافق دو جانبه، سه جانبه و چهارجانبه در مورد خزر حساسیت ایجاد می‌کند. کشورهای عضو مشترک‌المنافع حق دارند با هم جلسه داشته باشند اما نباید خاص موضوع دریای خزر باشد. در ایران این ذهنیت‌ها در حال شکل‌گیری است که توطئه‌ای در خزر علیه منافع ملی ایران در شرف تکوین است و همه اینها به حساب روسیه گذاشته می‌شود، زیرا بخوبی می‌دانند که این سه کشور بدون روسیه نمی‌توانند کاری از پیش ببرند.

پس از انعقاد اولین قرارداد تحدید مرزهای آبی مابین روسیه و آذربایجان در مهر ۱۳۸۱، اخباری به نقل از مسئولین این کشورها در خصوص احتمال امضای توافق سه جانبه بین روسیه، قزاقستان و جمهوری آذربایجان منتشر شد. وادیم زورکوف، معاون وزیر امور خارجه قزاقستان

در ۱۱ مهر ۱۳۸۱ اعلام نمود که پیش‌نویس موافقتنامه سه‌جانبه از سوی قزاقستان تهیه و جهت بررسی به روسیه و آذربایجان ارسال شده است.<sup>(۳۹)</sup>

عباس عباس‌اف معاون اول نخست‌وزیر آذربایجان نیز در ۱۸ مهر ۱۳۸۱ طی مصاحبه‌ای با اشاره به تهیه پیش‌نویس موافقتنامه سه‌جانبه از سوی سه کشور، از امضای این موافقتنامه در آینده‌ای نزدیک خبر داد. این توافق برای تعیین نقطه تلاقی مرزهای سه کشور با یکدیگر در منطقه شمال خزر و همچنین فشار وارد آوردن بر ترکمنستان برای اضافه شدن به جلسات بوده است. در عین حال ویکتور کالیوژنی، در روزهای ۱۸ و ۱۹ ژانویه ۲۰۰۳ از باکو دیدار و با خلف اوغلو راجع به مسایل مختلف و از جمله دیدگاه‌های دو کشور در مورد رژیم حقوقی خزر گفتگو نمود.<sup>(۴۰)</sup> کالیوژنی همچنین در تلویزیون آذربایجان گفت که بیشترین فاصله مابین موضع کشورهای ساحلی خزر، بین ایران و آذربایجان است.<sup>(۴۱)</sup> او قبلاً نیز ادعا کرده بود که «ایران از سال ۱۹۹۸ تاکنون بر روی موضع ۲۰ درصد ایستاده و نه به راست و نه به چپ حرکت نمی‌کند».<sup>(۴۲)</sup>

بالاخره در ۱۴ مه ۲۰۰۳ (۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۲) و در اجلاس نمایندگان ویژه کشورهای ساحلی در آلماتی قزاقستان، توافق سه‌جانبه مابین کشورهای روسیه، قزاقستان و آذربایجان امضا گردید. مطابق خبر خبرگزاری فرانسه، این سه کشور توافق نمودند که بخش‌های شمالی و مرکزی دریای خزر را مابین خود تقسیم نمایند. بدین ترتیب و با توجه به طول ساحل و استفاده از خط میانه، سهم قزاقستان، روسیه و آذربایجان به ترتیب ۲۷، ۱۹ و ۱۸ درصد تعیین گردید.<sup>(۴۳)</sup> یعنی مجموعاً ۶۴ درصد از آب‌های دریای خزر وضعیت آن مشخص شد. در این میان ایران مجدداً هرگونه توافق مغایر با توافق همه‌جانبه راجع به دریای خزر را فاقد اعتبار و وجهت قانونی خواند<sup>(۴۴)</sup> و همچنان بر موضع ایران مبنی بر بر خور داری ایران از ۲۰ درصد تأکید نمود.<sup>(۴۵)</sup> این در حالی است که تا قبل از تشکیل جلسه، نماینده ایران از توافقات دوجانبه مابین روسیه - قزاقستان، و روسیه - آذربایجان به عنوان راهی برای رسیدن به اجماع یاد کرده بود.<sup>(۴۶)</sup>

## نتیجه گیری

۱. به رغم ناکامی کشورهای ساحلی برای رسیدن به اجماع در مورد رژیم حقوقی آینده دریای خزر، در طول سالهای پس از فروپاشی، مذاکرات دوجانبه، سه جانبه و پنج جانبه مابین بازیگران ساحلی خزر همواره وجود داشته است.

۲. تشکیل گروه کاری ویژه متشکل از نمایندگان کشورهای خزر که مطابق توافق مابین وزرای خارجه پنج کشور در آبان ماه ۱۳۷۵ عملی گردید، تاکنون منشاء توافقهایی متعدد در جریان ده دور مذاکره خود بوده است. این جلسات که منعکس کننده نظرات کارشناسی کشورهاست، می تواند در آینده نیز ادامه یابد.

۳. سیستم استفاده مشترک از دریای خزر و یا تلفیقی از آبهای سرزمینی محدود و آبهای مشترک کاملاً از ذهن کشورهای حاشیه خزر پاک نشده اند. با توجه به کمتر شدن اهمیت دریای خزر از لحاظ انرژی و ژئوپلیتیک پس از تحولات افغانستان و عراق (که خود بحث جداگانه‌ای است)، توجه به رژیم حقوقی مشترک بهبود منافع ایران در خزر است. طراحی یک مجموعه از رژیم حقوقی بهینه برای بهره برداری از منابع انرژی، حمل و نقل، استفاده از منابع زنده و حفظ محیط زیست همچنان به استفاده مشترک از خزر متمایل است.

۴. با توجه به نتایج باقیمانده از توافق سه جانبه روسیه، آذربایجان و قزاقستان نباید از نظر دور داشت که نمی توان توافقات کشورهای دیگر را مادام که به منافع ملی ایران خدشه وارد نمی سازد، محکوم نمود. از طرف دیگر، یک دیپلماسی فعال از طرف تهران برای رسیدن به تفاهم با ترکمنستان و آذربایجان می تواند ایران را به یک راه حل بهینه رهنمون سازد. اگر گزارش خبرگزاری فرانسه در مورد تقسیم شمال خزر به مقدار ۲۷ درصد برای قزاقستان و ۱۹ درصد برای روسیه صحیح باشد این به معنای آن است که وضعیت ۴۶ درصد از آبهای خزر مشخص شده است. باقیمانده ۵۴ درصد با توجه به سهم ۱۸ درصدی آذربایجان مقدار ۳۶ درصد برای ایران و ترکمنستان باقی می گذارد. به صورت ساده دو سهم ۱۸ درصدی برای ترکمنستان و ایران به ذهن متبادر می شود.

۵. اجلاس سران کشورهای ساحلی خزر که قرار است در تهران و در سال میلادی جاری تشکیل گردد، نیاز به تمهید موضوعات و برگزاری در سطح ملی دارد. جا دارد که در این ارتباط،

دولت و بخصوص وزارت امور خارجه از امکانات و توانایی‌های ایران و ایرانیان بهره ببرد. به عنوان مثال، از نخبگان و صاحب‌نظران می‌توان دعوت نمود که برای پُر بار نمودن استدلالات ایران در جریان اجلاس، در همایش‌ها و کنفرانسهای داخلی شرکت نموده و مباحث را از قبل تمرین نمایند. همچنین امکانات شهرها و بنادر ایرانی در حاشیه خزر برای تعیین محل اجلاس می‌تواند در نظر گرفته شود.

## یادداشت‌ها

1. IRNA/Iiar - Tass, Jan 9, 2002.
۲. «اجلاس عشق آباد و منافع ملی ایران در دریای خزر»، بولتن معاونت سیاست خارجی و روابط بین‌الملل مرکز تحقیقات استراتژیک، خرداد ۱۳۸۱، ص ۶.
۳. شهیدی، هنگامه. «خزر تکه کاغذ نیست: مصاحبه با ویکتور کالیوژنی»، همشهری، ۴ دی ۱۳۸۱.
۴. افراسیابی، کاوه. «بازنگری در سیاست ایران پیرامون دریای خزر»، اطلاعات، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۱.
5. Seward, Deborah, "Caspian Summit Ends with no Deal", *The Moscow Times*, April 25, 2002.
۶. افراسیابی، اطلاعات، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۱.
7. Blagov, Sergei, "Kazakhstan Pushes for Trilateral Caspian Deal"; *Asia Times*; Oct. 10, 2002.
8. *AFP*, Baku, Dec.1, 2001.
۹. وزیر، فریبا. «دهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز»، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۰، زمستان ۱۳۸۱، صص ۲۶۱-۲۶۳.
10. "Caspian States to Discuss Ecology of the Sea", *Itar - Tass*; Jan.18,2003.
۱۱. «چرا گفتیم ۲۰ درصد؟ مصاحبه با مهدی صفری»، ایران، اردیبهشت ۱۳۸۲.
۱۲. سیاست روز، ۱۳ بهمن ۱۳۸۱.
۱۳. آذهرس، ۹ ژانویه ۲۰۰۳.
14. *Interfax - Kazakhstan News Agency*, May 6, 2003.
۱۵. آفتاب یزد، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۲، ص ۲.
16. *Interfax*, Almaty, May 14, 2003.
17. *BBC Monitoring*, May 14, 2003.



۱۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۲، ص ۲.

19. "Russia Moves to Settle Caspian Status", *Petroleum Economist*, Vol.67, No.8, Aug. 2000, p.35.

۲۰. گرچه در پیمان دوستی ۱۹۲۱ و قرارداد مربوط به بحر پیمایی و تجارت مابین ایران و اتحاد شوروی در ۱۹۴۰ (۱۳۱۹)، ذکری از منابع بستر دریا نیامده است، اما در موارد دیگر مانند حمل و نقل، شیلات، استفاده از فضای ماورای خزر به صورت روشن از استفاده مشترک نام برده شده و در پروتکل الحاقی موافقتنامه ۱۹۴۰، این پهنابه به نام «دریای مشترک ایران و شوروی» خوانده شده است. همچنین در معاهدات مزبور، دریای خزر به عنوان دریایی مشاع تلقی شده و هرگونه بهره‌داری از آن توسط کشورهای ثالث ممنوع اعلام گردید. هیچ‌گونه مرزی در دریا میان ایران و شوروی تعیین نشده و هر دو در ماهیگیری و دریانوردی از حقوق متساوی برخوردار شدند. اما در عمل، دولت شوروی از سال ۱۹۳۴ با ترسیم خطی از وسط رودخانه آستاراچای در شمال بندر آستارا در غرب خزر، به میانه خلیج حسینقلی در شمال بندر ترکمن در شرق خزر این دریاچه را به طور غیررسمی میان دو کشور تقسیم کرد. گرچه دولت ایران هرگز وجود چنین خطی را نپذیرفت ولی عملاً هر دو دولت سکوت پیشه کرده و فعالیت‌های اقتصادی خود را در دو طرف خط محدود نمودند. نگاه کنید به:

- Sklyarov, Leonid E.; "Caspian Countries in the Twenty First Century: The Region of Cooperation or Competition?", in the *Conference on "Caspian Region: Political Retreat, Energy Issues, and Security Structure"*, Conflict Studies Research Center, May, 13-14, 1996.

- Mirfendereski, Give; *A Diplomatic History of the Caspian Sea: Treaties, Diaries, and Other Stories*; New York: Palgrave, 2001.

21. Speech by Viktor Kalyuzhny, for the Caspian Wilton Park Conference "The Caspian: Policies for a New Era"; Wiston House - Cambridge University, March 18-23, 2002. Ministry of Foreign Affairs of the Russian Federation, Information and press Department, Feb.28,2002.

22. *Itar- Tass*, Tehran, Dec.2, 2002.

۲۳. ایرنا، مسکو، ۲۴ مهر ۱۳۸۱.

۲۴. سخنرانی جناب آقای ویکتور کالیوژنی در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی ایران، ارسالی از طرف سفارت جمهوری فدراتیو روسیه در تهران برای رسانه‌ها، آذرماه ۱۳۸۱.

24. Speech by Viktor Kalyuzhny, at the International Conference "Caspian: Legal Problems", CMoscow, Feb.26, 2002; Ministry of Foreign Affairs of the Russian

Federation, Information and Press Department, Feb.28,2002.

۲۶. شهیدی، هنگامه، «خزر تکه کاغذ نیست: مصاحبه با ویکتور کالیوژنی»، همشهری، ۵ دی ۱۳۸۱.

۲۷. شهیدی، هنگامه، «خزر تکه کاغذ نیست: مصاحبه با ویکتور کالیوژنی»، همشهری، ۴ دی ۱۳۸۱.

۲۸. همشهری، ۵ دی ۱۳۸۱.

۲۹. همشهری، ۴ دی ۱۳۸۱.

۳۰. همشهری، ۴ دی ۱۳۸۱.

۳۱. مطالبی که کالیوژنی مطرح می‌نماید، دارای اشکالات جدی از نگاه متدولوژیک، قواعد و رویه‌های حقوق بین‌الملل و همچنین وقایع تاریخی است. جا دارد که صاحب‌نظران ایرانی در روشن شدن واقعیات در گذشته و حال پهنابه خزر اهتمام نمایند.

۳۲. منافع روسیه در ایران: گفتگو با آقای الکساندر ماریاسوف، سفیر روسیه در ایران، اقتصاد ایران، شماره ۳۲، مهر ۱۳۸۰.

33. Vatanka, Alex; "Azerbaijan - Iran tensions create obstacle to Caspian resolution", *Eurasia*, Jan.29, 2003.

34. *AFP*, Baku, Jan.9,2002.

35. *IRNA*, Baku, Jan.16,2003.

36. *Oil and Gas of Kazakhstan*, May 5, 2003.

37. Lelyveld, Michael; "Turkmenistan, Iran Appear to Agree on Approach for Dividing Sea"; *RFE/RL*, April 2, 2003.

38. *Interfaz*, March, 29, 2003.

39. Blagov, Sergei, "Kazakhstan Pushes for Trilateral Caspian Deal"; *Asia Times*; Oct.10,2002.

40. "Caspian States to Discuss Ecology of the Sea", *Itar-Tass*; Jan.18, 2003.

41. Vatanka, Alex; "Azerbaijan - Iran Tensions Create Obstacle to Caspian Resolution", *Eurasianet*, Jan.29, 2003. p.1.

۴۲. ایرنا، مسکو، ۲۴ مهر ۱۳۸۱.

43. *AFP*, Almaty, May 14, 2003.

۴۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۲.

45. *AFP*, Almaty, May 14, 2003.

46. *AFP*, Almaty, May 12, 2003.